

مجله کار آفرینی

شماره ۳



مرکز آموزش علمی کاربردی فرهنگ و هنر واحد ۱۴ تهران

فلاقیٲ پیست؟

چرا فلاق بودن مهم است؟

آیا میتوان فلاقیٲ و کسب کرد؟

تکنیک فلاقیٲ پیست؟

تکنیک اسکمپر پیست؟

فول

مدیر اجرایی: دکتر حمید حسین لو

هیئت تحریریه: اعظم اسلامی، معصومه

جهانگیری صفت، احمد رنجبر

طراحی جلد و صفحه آرایی: آمنه سبزعلی

دبیر اجرایی: تارا امیری

با تشکر از دکتر حسین گوهری

مقدمه

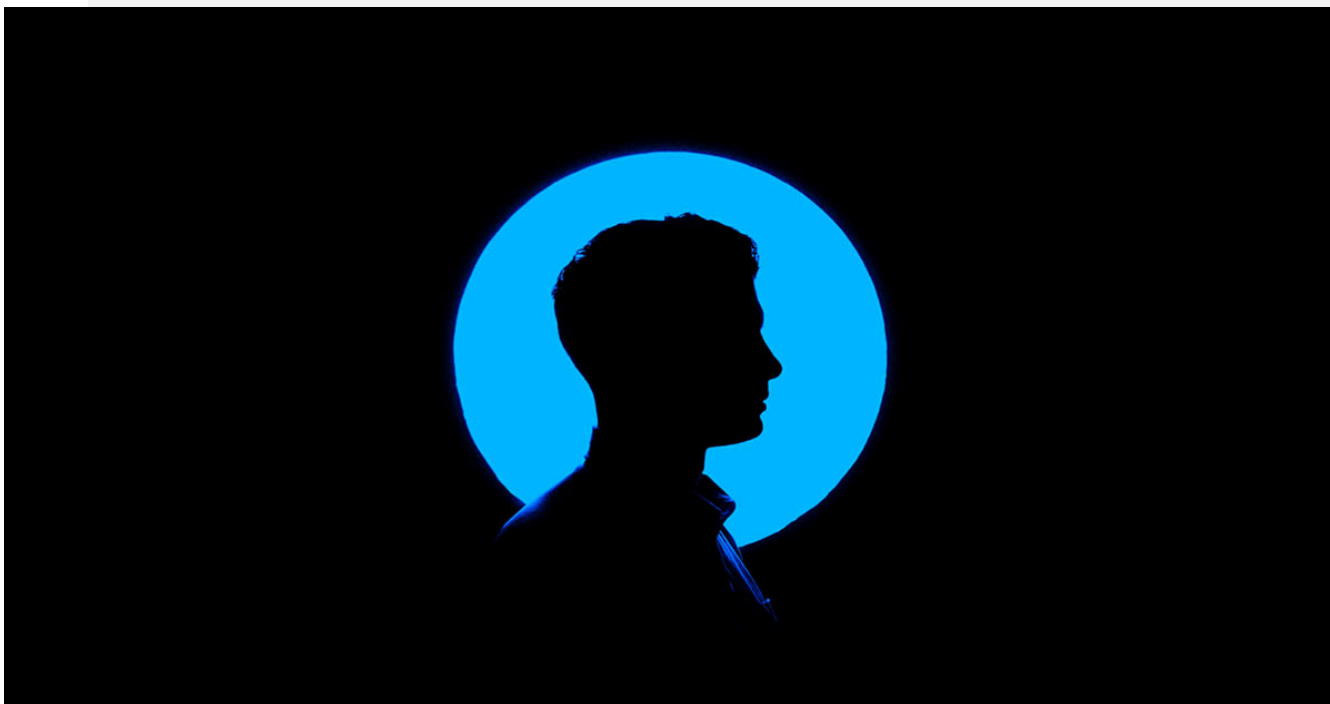
یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بشر که موجب شده تا به امروز در هر حیطة و فعالیتی از صنعت و هنر گرفته تا انواع اختراعات و ابداعات پیشرفت کند و به زبان ساده‌تر ویژگی که دنیای بشر را به پیشرفت رسانده است، خلاقیت و نوآوری است. انسان با خلاقیت می‌تواند خود را توان‌تر کند، بر طبیعت با عظمت غالب شود، جهان اسرار آمیز را بشناسد و مسائل و مشکلات حیات خود را حل نماید. از این رو خلاقیت را محور حرکت جهانی قرن حاضر می‌دانند.

همه‌ی انسان‌ها خلاق هستند و این خلاقیت در هر فرد مانند استعداد و مهارت‌های ذاتی آن‌ها می‌تواند متفاوت و خاص باشد. در واقع کسی نمی‌تواند ادعا کند خلاق نیست، بلکه باید بگوید راه‌های شکوفایی و کشف و پرورش آن را نیافته است یا به اهمیت آن در زندگی پی نبرده است. خلاقیت موجب می‌شود انسان از حالت رکود و انفعال خارج شده به فردی فعال و موفق تبدیل شود. با ادامه‌ی مطلب همراه باشید تا شما را با ویژگی‌های افراد خلاق و روش‌های بالا بردن خلاقیت آشنا سازیم.

خلاقیت چیست؟

خلاقیت و نوآوری از والاترین ویژگی‌های انسانی است که کلیه‌ی دستاوردهای بشری، جلوه‌های گوناگون خلاقیت و نوآوری است. خلاقیت مفهومی است که تعریف‌های آن در طول زمان تغییرات فراوانی کرده است و پژوهشگران مختلف تعاریف متعددی برای آن ارائه نموده‌اند که بیشتر آن‌ها در اصل مطلب با یکدیگر مشترک هستند.

در یک تعریف ساده خلاقیت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: دست‌یابی به ایده‌های نو با هدف حل مشکلات با صحیح‌ترین راه حل و روش!



به‌عنوان یک تعریف دیگر می‌توانیم بگوییم خلاقیت پدیده‌ای است که توسط آن چیز متفاوت و جدیدی ساخته می‌شود. این «چیز» می‌تواند یک شیء جسمی باشد مانند نقاشی، مجسمه، اختراع، انواع چیزهای خلاق و... یا می‌تواند یک چیز نامشهود مانند یک تئوری یا ایده باشد.

تمامی انسان‌ها با توجه به تفاوت‌های فردی‌شان دارای خلاقیت و نوآوری هستند و نباید خلاقیت و خلاق بودن را تنها مختص افراد تیزهوش و بااستعداد دانست. به‌کارگیری خلاقیت قدمی برای ظهور ذوق و استعدادها است. پیش از اینکه بخواهید فردی خلاق شوید بایستی به خودآگاهی رسیده باشید تا بتوانید مهارت‌های لازم را کسب نمایید.

چرا خلاق بودن مهم است؟

ممکن است با خود بگویید من دانشمند نیستم تا چیز جدیدی اختراع کنم پس نیاز به خلاقیت ندارم. خلاقیت تنها کشف و اختراع چیزهای جدید نیست، حتی زمانی که شما برای حل مشکلات زندگی خود از روش‌های جدید استفاده می‌کنید نیز خلاقیت به خرج داده‌اید.

جهان با سرعتی شگفت‌انگیز در حال تغییر است تغییراتی که در همه‌ی ابعاد زندگی بشر تأثیرگذار است. اینترنت پرسرعت، گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی با سرعتی غیرقابل‌باور در حال تغییر دنیای کسب‌وکار، ارزش‌ها و هنجارها و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در قرن ۲۱ هستند. فناوری در بالاترین حد خود در تاریخ بشر قرار دارد و هر روز نسبت به روز قبل در حال پیشرفت است. در چنین دنیایی که آینده را به‌سختی می‌توان پیش‌بینی کرد، تنها ابزار موفقیت تطبیق با تغییرات و همراه شدن با دنیا خلاقیت است. بدون خلاقیت، بدون متفاوت فکر کردن، بدون نوآوری رقابت و بقا هر روز سخت‌تر از قبل می‌شود.

خلاقیت، زندگی بشریت را به جلو سوق می‌دهد و به چرخ‌دنده‌های پیشرفت کمک می‌کند که این امر زندگی مردم را راحت‌تر و هیجان‌انگیزتر می‌کند. نوآوری یا خلاقیت دست‌کم برای جامعه سه فایده دارد باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود، بهره‌وری را بالا می‌برد و باعث به وجود آمدن تکنولوژی، کالاها و خدمات جدید می‌گردد.

امروزه بیشتر مؤسسات بزرگ استعدادهای خلاق را پرورش داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اگر بخواهند در بازارهای جهانی رقابت کنند باید هر چند مدت محصولاتشان را نو و جدید کنند تا مشتریان خود را از دست ندهند، به همین علت برای رسیدن به این هدف روی پرورش خلاقیت افراد کار می‌کنند.



آیا می‌توان خلاقیت را کسب کرد؟

باید بگوییم خلاقیت نیز یک نوع مهارت است که می‌توان آن را کسب کرد و پرورش داد. نتایج یک تحقیق مهم در دانشگاه‌های لندن نشان می‌دهد که ما به‌صورت طبیعی موجودات خلاق هستیم و همان‌طوری که رشد و پیشرفت می‌کنیم و در حال یادگیری هستیم در واقع خلاقیت به خرج می‌دهیم.

به‌طور کلی خلاقیت یک مهارت است که می‌تواند توسعه پیدا کند و فرآیندی است که می‌تواند مدیریت شود. شما می‌توانید با آزمایش، کاوش، سوق دادن مفروضات به سمت احتمالات و استفاده از تخیل و تجزیه‌ی اطلاعات تبدیل به یک فرد خلاق گردید. خلاقیت در انسان به هوش، جنس، سن و سال و میزان تحصیلات بستگی ندارد. می‌توان با پرورش برخی توانایی‌ها و ویژگی‌ها در خود خلاقیت را تقویت کرده و استفاده‌های زیادی در جهت داشتن یک زندگی موفق برد.

چه موانعی در سر راه خلاقیت ما وجود دارند؟

در راه خلاقیت، موانع بسیاری وجود دارد که ما در اینجا به مهم‌ترین عوامل اشاره خواهیم کرد:

ترس از عدم موفقیت

با توجه به اینکه نتایج به‌دست‌آمده از رفتار و فعالیت‌های انسان‌ها اگر با موفقیت روبه‌رو گردد، مورد تشویق قرار می‌گیرد و در غیر این صورت با تنبیه و توبیخ روبه‌رو می‌گردد، بنابراین انسان‌ها به دنبال کارهایی می‌روند که موفقیت

به همراه داشته باشد، لذا از ریسک کردن که لازمه‌ی خلاقیت است دوری می‌کنند که این امر مانع بزرگی سر راه خلاقیت و آزمایش روش‌های مختلف است.

عادت‌ها

اگر فرد در حل مسائل زندگی خود روشی را انتخاب نماید که فقط در یک چهارچوب خاصی قرار دارد و همیشه بخواهد طبق آن الگو مشکلاتش را حل نماید، به آن عادت کرده و بدون تفکر و تعمق به حل مسائل می‌پردازد، بنابراین فکر را محدود نموده و به خلاقیت که لازمه‌اش تفکر و تعقل است نخواهد رسید.

عدم انعطاف‌پذیری

یکی از موانع دیگر خلاقیت این است که افراد در چهارچوب و قالب مشخصی فکر و عمل می‌کنند و به جهات مختلف توجه ندارند که این مسئله باعث محدودیت فکری می‌شود. در ضمن برخی مواقع تعصب و پیش‌داوری هم وجود دارد که مانع ارزیابی صحیح می‌گردد.

عدم اعتماد به نفس

در برخی مواقع افراد حتی از توانایی و استعداد بالایی برخوردارند ولی جرأت، شهامت و اعتماد به نفس کافی برای طرح ایده و نظرات خود را ندارند و فکر می‌کنند نظر آن‌ها اشتباه است و حتی از بیان آن خودداری می‌کنند که این نگرش باعث می‌گردد خود را باور نداشته و احساس خودکم‌بینی، حقارت و کم‌رویی کنند.

بهتر است بگوییم یکی از بزرگ‌ترین موانع سر راه خلاقیت عدم اعتماد به خویشتن است.

دوری از موقعیت‌های مبهم

در بسیاری از موارد انسان‌ها از امور و موقعیت‌های پیچیده و مبهم دوری می‌کنند و به دنبال روش‌ها و راه‌حل‌های مطمئن و بدون دردسر می‌گردند. ابهام و اشکال در امور را نمی‌پسندند و نمی‌خواهند ذهن خود را مغشوش نمایند، در صورتی که درگیر کردن ذهن خود با موقعیت‌های مبهم و پیچیده از ویژگی‌های انسان‌های خلاق است.

افراد خلاق چه ویژگی‌هایی دارند؟

افرادی که توانسته‌اند خود را بهتر بشناسند و خلاقیت‌های خود را کشف و پرورش دهند و از آن استفاده کنند، اخلاق و ویژگی‌های خاصی دارند. اغلب این افراد دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- افراد خلاق می‌خواهند هر چیزی را تغییر دهند و به تجربیات جدید برسند. آن‌ها از هر چیزی که زندگی را برایشان یکنواخت و تکراری می‌کند، دوری می‌کنند.
- افراد خلاق باور دارند خیال‌پردازی به‌هیچ‌عنوان وقت تلف کردن نیست، بلکه بهترین روش برای کشف ایده‌های نو است.
- افراد خلاق همیشه و در هر موقعیتی فرصت‌ها را درمی‌یابند و مدام به دنبال جمع‌آوری اطلاعات هستند که به آن‌ها در تفکر خلاقانه کمک می‌کند.
- افراد خلاق می‌دانند در چه ساعتی از روز ذهنشان عملکرد بهتری دارد و برنامه‌ی خود را مطابق با همان تنظیم می‌کنند. خیلی از افراد خلاق کارهای مهم خود را صبح خیلی زود یا آخر شب که ساعات طلایی نام دارند انجام می‌دهند.
- افراد خلاق تنهایی و انزوا را دوست دارند و ما معمولاً افراد خلاق و هنرمندان را افرادی منزوی می‌دانیم، غافل از اینکه تنهایی می‌تواند سبب بروز تفکر خلاقانه و خلق بهترین کارها شود.
- افراد خلاق از سختی‌های زندگی به نفع خود استفاده می‌کنند. آن‌ها با قرار گرفتن در سختی‌ها ذهن خود را به چالش می‌کشند و ایده‌های ناب تولید می‌کنند.
- افراد خلاق دوست دارند خود را همواره در معرض تجربیات، احساسات و شرایط ذهنی جدید قرار دهند و این مسئله سبب بروز نتایج خلاقانه می‌شود.
- افراد خلاق مانند کودکان بسیار کنجکاو هستند. آن‌ها همیشه حس کنجکاوی خود را حفظ می‌کنند و می‌خواهند در زندگی انتخاب کنند. این افراد از طریق مکالمه و پرسه زنی ذهن، به دنیای پیرامونشان نگاه می‌کنند و می‌خواهند بدانند چرا دنیا این گونه است!
- افراد خلاق درباره‌ی اتفاقات پیرامون زندگی دیگران نیز کنجکاو هستند و می‌خواهند مردم را ببینند و حتی ممکن است ایده‌های ناب خود را از این راه به دست آورند.
- ریسک‌پذیری بخشی از انجام کارهای خلاقانه است. خیلی از افراد خلاق با ریسک کردن در جنبه‌های مختلف زندگی خود به رشد و پیشرفت می‌رسند.
- افراد خلاق به دنبال فرصتی برای بیان خودشان هستند. این افراد خود را در موقعیت‌های سخت و دشوار نشان می‌دهند و در حل مسائلی که دیگران نمی‌توانند انجام دهند پیش‌قدم می‌شوند.
- افراد خلاق به‌طور ذاتی انگیزه دارند. انگیزه‌ی درونی آن‌ها برای عمل کردن، از میل درونی‌شان نشأت می‌گیرد. روانشناسان می‌گویند افراد خلاق از انجام کارهای چالش‌برانگیز انرژی می‌گیرند که از نشانه‌های انگیزش ذاتی است. مطالعات نشان می‌دهد فکر کردن به دلایل اصلی برای انجام یک کار، برای تقویت خلاقیت بسیار خوب است.
- افراد خلاق از محدوده‌ی ذهنی خود بیرون می‌روند و برای به دست آوردن ایده و راه‌حل‌های جدید چارچوب‌های ذهنی خود را می‌شکنند.
- افراد خلاق می‌دانند وقتی در حال نوشتن، نقاشی کردن و هر کاری هستند، احساس "غوطه‌ور شدن" در کارشان را دارند که به آن‌ها کمک می‌کند در بالاترین سطح از توانایی‌های خود اثری خلق کنند.
- افراد خلاق تفکراتی مثبت دارند و از اینکه اطرافشان را پر از خوبی و زیبایی کنند، لذت می‌برند.

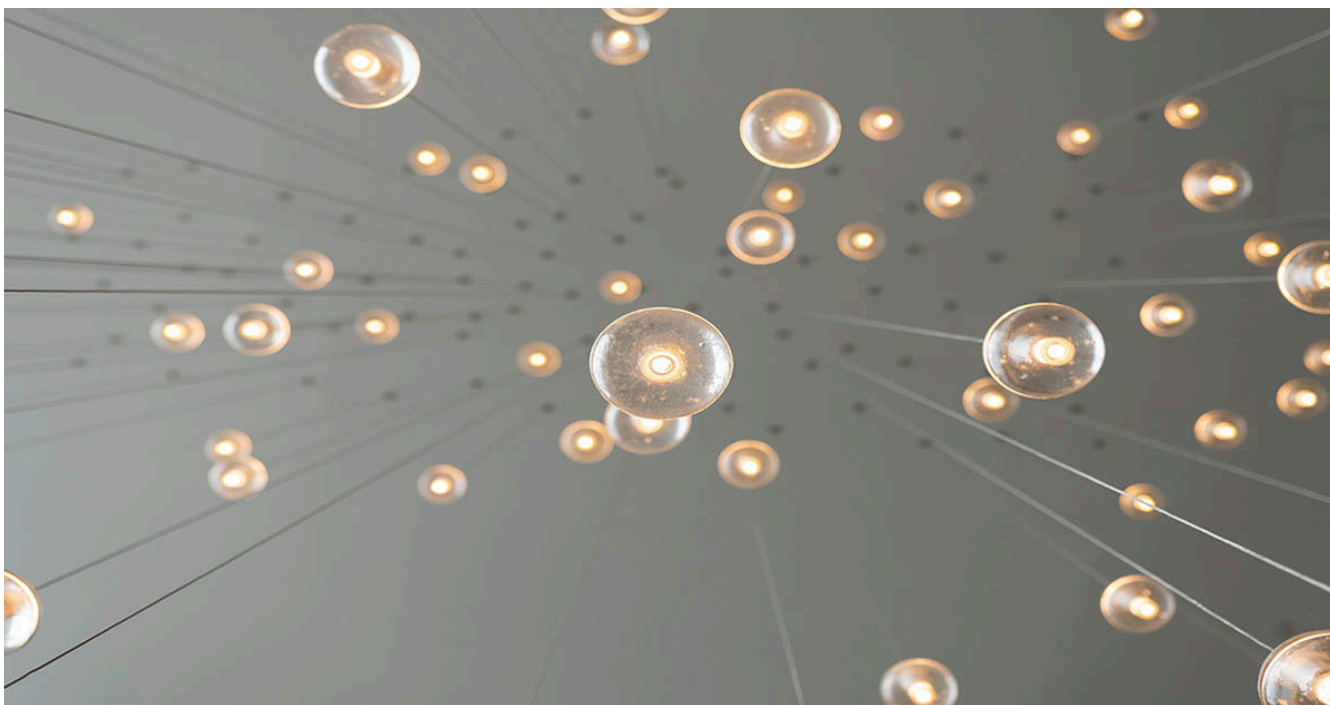
- افراد خلاق می‌توانند فرصت‌هایی که دیگران قادر به درک آن نیستند را ببینند، این همان چیزی است که میان افراد خلاق با دیگران تمایز ایجاد می‌کند.
- افراد خلاق می‌خواهند هر چیزی را تغییر دهند و به تجربیات جدید برسند.
- افراد خلاق برای تمرکز حواس خود وقت صرف می‌کنند. از ورزش و مدیتیشن بهره می‌برند تا به ذهن خود نظم دهند و روی چیزهای جدید متمرکز شوند.

هرچند ممکن است شما خلاق باشید، همیشه مواقعی وجود خواهد داشت که احساس خواهید کرد خلاقیت در شما وجود ندارد، در این حالت شما نیاز دارید تا انگیزه‌ی خود را بالا ببرید و دست از تلاش بردارید تا بتوانید خلاقیت‌های خود را بروز دهید. راه‌ها و روش‌های مختلفی برای بالا بردن خلاقیت و تبدیل یک فرد عادی به یک انسان خلاق وجود دارد و هر کدام می‌تواند در جایگاه خود مؤثر و مفید واقع شود که در ادامه‌ی مطلب به این موارد اشاره خواهیم کرد.

زیاد خیال‌پردازی کنید

یکی از ویژگی‌های مشترک افراد موفق و خلاق خیال‌پردازی آن‌هاست. در واقع شما با خیال‌پردازی در دنیای غیرواقعی، مغز خود را به چالش می‌کشید، چیزهای غیرواقعی تصور می‌کنید و دریچه‌های مغز خود را به سوی ماورای هر چیزی که به آن می‌اندیشید باز می‌کنید، در این حالت احتمال بیشتری دارد ایده‌های ناب و خلاقانه‌ای به سراغ شما بیاید که در حالت عادی امکان آن وجود ندارد.

با خیال راحت خود را سرگرم کنید، به اطراف خود نگاه کنید، روی یک شی یا شخص متمرکز شوید و داستانی را در پشت آن "شخصیت" ایجاد کنید. تخیل به‌عنوان یک تمرین خلاقیت مفیدی است که می‌تواند ایده‌های ناب را برای شما آشکار سازد، چیزهایی که شاید به فکر بقیه نرسد.

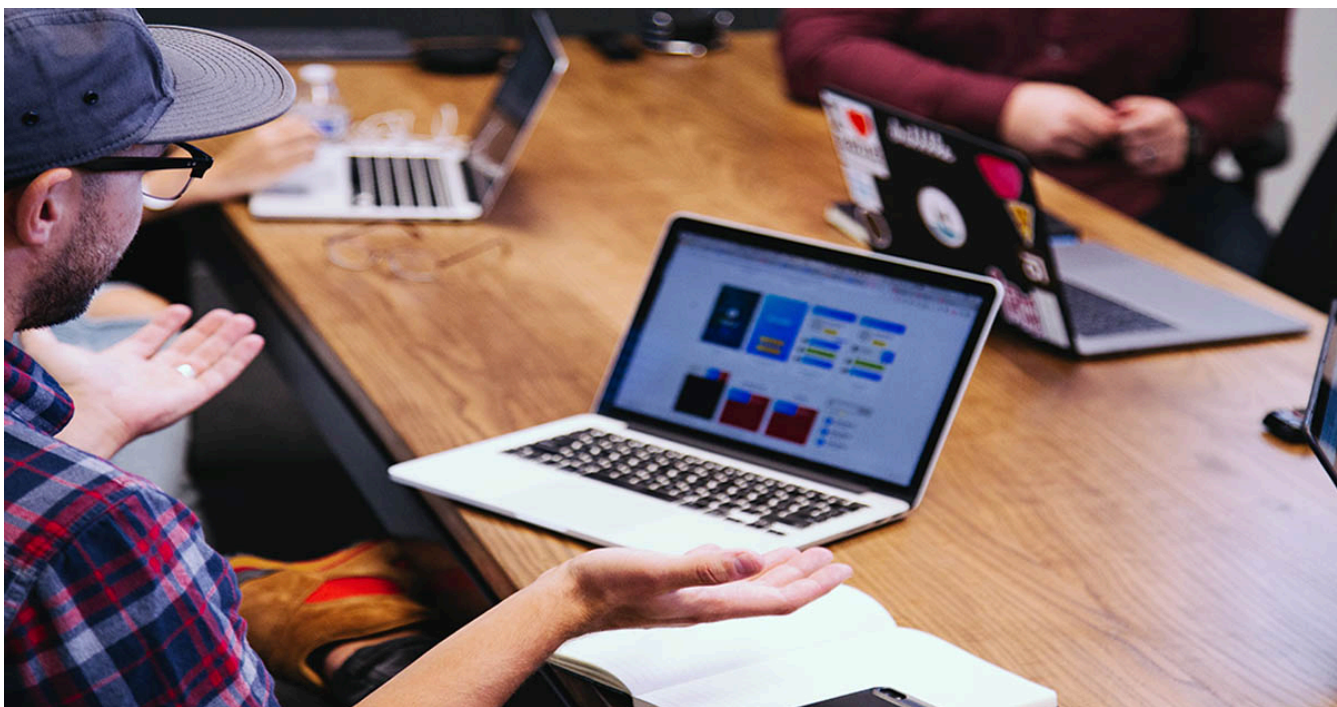


با دیگران مشورت کنید

خلاقیت‌های انسان‌ها زمانی بیشتر ظهور می‌کند که انسان در جمعی قرار گیرد که همه روی موضوع خاصی در ارتباط و بحث و گفتگو هستند. خود را در این موقعیت‌ها قرار دهید، با افراد خلاق ارتباط برقرار کنید و شروع به تبادل اطلاعات کنید. هر سخنی که بین شما ردوبدل می‌شود ممکن است جرقه‌های یک ایده‌ی نوآورانه و خلاق را در ذهن شما روشن کند و این امر می‌تواند خلاقیت شما را برای حل مسائل و یا کشف چیزهای جدید بالا ببرد.

در این جمع‌ها حالت منفعلانه نداشته باشید، در بحث‌ها شرکت کنید، هر آنچه به ذهنتان می‌آید بازگو یا یادداشت‌برداری کنید تا بعداً در زمان بهتری روی آن‌ها تمرکز کرده و بیشتر فکر کنید. حتی می‌توانید بازی‌های رقابتی بین خودتان و دوستان یا همکارانتان ایجاد کنید و برای طرح یک ایده‌ی زمان بگذارید تا بیشتر از مغز خود کار بکشید، در این حالت است که ایده‌های جدید نمایان خواهد شد.

یادگیری از طریق همکاری و کنجکاوی، شما را به سمت خلاقیت هدایت خواهد کرد. زمانی که در مورد موضوعی تحقیق می‌کنید و با کارشناسان آن حوزه صحبت می‌کنید، احتمال بروز خلاقیت و ایده‌های نو افزایش پیدا می‌کند. در واقع وقتی مغز ورودی‌های جدید را دریافت می‌کند، می‌تواند آن‌ها را با موارد قبلی مرتبط سازد تا در نهایت، خلاقیت ایجاد شود.



ذهن خود را به چالش بکشید

بدترین و وحشتناک‌ترین ایده‌ها را انتخاب کنید. وقتی در موضوعی دچار چالش شده‌اید و نمی‌توانید راه حل خلاقانه‌ای ارائه کنید، می‌توانید از بدترین ایده‌های ممکن کمک بگیرید. در میان هر یک از این ایده‌های بد، به دنبال بهترین ویژگی هر ایده باشید و آن‌ها را در کنار هم قرار دهید. این کار می‌تواند ایده‌های جدید را برایتان آشکار سازد.

از افراد خلاق و معروف الهام بگیرید

زندگی‌نامه‌ی افراد خلاق که ایده‌های ناب و نوآورانه داشته‌اند را بررسی کنید، کتاب‌های آن‌ها را بخوانید و روی رفتار و کارهایی که انجام داده‌اند فکر کنید، حتی بهتر است بگوییم می‌توانید از آن‌ها تقلید کنید. در این حالت شما بهتر می‌توانید از روش‌های بالا بردن خلاقیت که قبلاً توسط افراد خلاق امتحان شده‌اند آشنا شده و آن‌ها را بکار گیرید.

شما با خواندن زندگی‌نامه‌ی افراد خلاق با ویژگی‌های روحی و رفتاری آن‌ها آشنا می‌شوید و سعی می‌کنید این ویژگی‌ها را کسب کنید. نکته‌ی مثبت دیگری که در این روش وجود دارد این است که شما می‌توانید به مهارت‌های خود نیز پی ببرید، علایق خود را بهتر بشناسید و مسیر زندگی خود را تعیین کنید.

با مدیتیشن ذهن خود را آرام کنید

مراقبه یا مدیتیشن باعث افزایش توانایی شناختی می‌شود و این شامل خلاقیت است. مدیتیشن یا مراقبه، ذهن را متمرکز کرده، قدرت درک و حافظه را بیشتر می‌کند. شما با استفاده از مدیتیشن می‌توانید روی برخی احساسات و رفتارهای روحی خود که در مقابل خلاقیت قرار دارند و از ظهور آن جلوگیری می‌کنند مانند افسردگی، ترس، استرس و اضطراب و بی‌قراری کنترل داشته باشید و آن‌ها را کم کنید. می‌توانید از ورزش‌های دیگر مانند پیاده‌روی نیز استفاده کنید. در اینجا نکته‌ی اصلی و مهم، داشتن فعالیت‌های فیزیکی است که موجب بالا رفتن قدرت تمرکز و افزایش خلاقیت می‌شود.



کارها و فعالیت‌های جدید را تجربه کنید

همیشه در یک مسیر گام بردارید. این مسیر از پیش تعیین شده و تکراری می‌تواند قاتل افکار خلاقانه‌ی شما باشد و شما را در رکود قرار دهد. اگر مهندس هستند به دنبال فعالیت‌های هنری بروید، گیتار و پیانو را بیاموزید. کسب مهارت‌های جدید در زندگی می‌تواند درهای جدیدی را برای شما بگشاید که شاید خلاقیت شما در آن نهفته است و ممکن است با امتحان نکردن این فعالیت‌ها هیچ‌گاه پی به خلاقیت‌های خود نبرید.

اعتماد به نفس خود را بالا ببرید

عدم امنیت در توانایی‌های شما می‌تواند خلاقیت را سرکوب کند. به همین دلیل ایجاد اعتماد به نفس مهم است. به پیشرفت‌های خود توجه داشته باشید، از تلاش‌هایتان تقدیر کنید و همیشه در جستجوی راه‌هایی برای پاداش خلاقیت خود باشید.

علاق خود را دنبال کنید

انجام دادن کارهای مورد علاقه سبب پرورش خلاقیت و بهبود آن می‌شود. انجام کارهای مورد علاقه سبب می‌شود تا افراد از کار خود احساس رضایت داشته باشند و از آن خسته نشوند. وقتی مغز به مدت طولانی یا به صورت متداول درگیر یک موضوع شود، می‌تواند تمام جزئیات آن را بررسی کند و در آن موضوع خلاق شود. انجام کارهای مورد علاقه، باعث پرورش خلاقیت در آن موضوعات می‌شوند.

افکار مثبت داشته باشید و ترس را کنار بگذارید

تمرکز خود را بر روی حذف افکار منفی یا انتقاد از خود متمرکز کنید که ممکن است توانایی شما در پیشرفت مهارت های خلاقانه‌ی قوی مختل کند. افکار منفی و ترس بدترین دشمن خلاقیت هستند که می‌تواند از ایجاد ایده‌های جدید و خلاقانه جلوگیری کند. ترس از اینکه اشتباه کنید یا در تلاش‌های خود شکست بخورید می‌تواند پیشرفت شما را فلج کند. هر وقت خود را درگیر چنین احساساتی می‌کنید، به خود یادآوری کنید که اشتباهات فقط بخشی از روند هستند.

همه چیز را یادداشت کنید

همیشه یک دفتر یادداشت نزد خود داشته باشید زیرا افکار خلاقانه اغلب زودگذر ظاهر می‌شوند و شاید نتوانند مدت زیادی در ذهن ما دوام داشته باشند و خیلی زود پاک می‌شوند. از شرایطی که در دردمس افتاده‌اید، در تنگنا قرار گرفته‌اید و... استفاده‌ی بهینه ببرید. در این شرایط باور کنید که قدرت خلاقیت شما فزونی می‌یابد و می‌تواند راه‌های مفیدی برای حل مشکلاتان فراهم کند. به افراد خلاق اطراف خود دقت کنید، ویژگی آن‌ها را در نظر بگیرید و از فعالیت آن‌ها بدون اینکه تقلید کورکورانه داشته باشید درس بگیرید.



خودتان را به چالش بکشید و فرصت‌هایی برای خلاقیت ایجاد کنید

هنگامی که مهارت‌های خلاقانه‌ی اساسی را ایجاد کردید، مهم است که به‌طور مداوم خود را به چالش بکشید تا بتوانید توانایی‌های خود را بیشتر کنید. به دنبال روش‌های دشوارتر باشید، موارد جدید را امتحان کنید و از همان راه‌حل‌هایی که در گذشته استفاده کرده‌اید استفاده نکنید. علاوه بر اینکه خودتان را به چالش می‌کشید باید خلاقیت خود را نیز

ایجاد کنید. این ایده‌ی خلاقانه می‌تواند شامل یافتن یک پروژه‌ی جدید یا یافتن ابزارهای جدید برای استفاده در پروژه‌های فعلی که در دست دارید باشد.

به دنبال منابع الهام باشید

هرگز انتظار نداشته باشید که خلاقیت به‌خودی‌خود اتفاق بیفتد. به دنبال منابع جدیدی از الهام باشید که به شما ایده‌های تازه می‌بخشد و شما را در ایجاد پاسخ‌های منحصر به فرد برای سؤالات انگیزه می‌دهد. کتاب بخوانید، از یک موزه دیدن کنید، موسیقی مورد علاقه خود را گوش دهید یا با یک دوست در یک بحث و گفتگوی سرسختانه شرکت کنید و از همه مهم‌تر می‌توانید سفر کنید و تجارب زندگی خود را بالا ببرید. بهتر است بگوییم شما باید از هر استراتژی یا تکنیکی برای افزایش خلاقیت خود استفاده کنید.

سناریوهای جایگزین را در نظر بگیرید

هنگام نزدیک شدن به یک مشکل، از سؤالات "چه می‌شود اگر..." استفاده کنید تا هر سناریوی ممکن را در نظر بگیرید. اگر یک رویکرد خاص اتخاذ کنید نتیجه چه خواهد شد؟
با نگاهی به این گزینه‌های قبلی می‌توانید راه‌حل‌های خلاقانه‌ای برای مشکلات تهیه کنید.

تکنیک خلاقیت چیست؟

برای **نوآوری** در هر زمینه و رشته‌ای، اول نیاز شما فهم صحیح از عوامل اثرگذار بر مسائل آن است. سپس باید بتوانید میان این عوامل روابطی را کشف کنید و نهایتاً با تحلیل این روابط ایده‌هایی نوآورانه را عرضه کنید. در واقع ایده‌ها برخاسته از فهم عمیق شما نسبت به مسئله است. تکنیک‌های خلاقیت و نوآوری به شما کمک می‌کنند تا تعداد ایده‌ها را بیشتر و یا کیفیت آن‌ها را بالاتر ببرید:
تکنیک خلاقیت استخوان ماهی – روش نموداری

علت نامگذاری روش استخوان ماهی شکلی است که نمودار آن بعد از جمع‌آوری اطلاعات پیدا می‌کند و شبیه به اسکلت ماهی می‌شود.

این تکنیک با نام **Why Why** هم شناخته می‌شود. چرا که در هر مرحله ما با یک چرا سعی می‌کنیم علت به وجود آورنده مسئله یا علت علت آن را بفهمیم. البته این روش به نام‌های فراوان دیگری نیز معروف است، همچون روش «علت و معلول».

می‌توان کاربرد وسیع‌تر این روش را در مباحث مدیریت صنعتی مشاهده کرد.

فواید استخوان ماهی:

این روش توجه ما را به ابعاد مسئله کانالیزه کرده و باعث بروز خلاقیت، افزایش کل‌نگری و تمرکز می‌شود و امکان بازبینی هوشمندانه مسئله و علل را می‌دهد.

این تکنیک، روابط بین علل را به شکل بصری نمایش داده و باعث می‌شود اهمیت نسبی آن‌ها نیز مشخص شود.

روش انجام تکنیک استخوان ماهی

شیوه انجام این تکنیک بسیار ساده است و می‌تواند در یک یا بیش از یک جلسه به شکل گروهی یا فردی انجام شود.

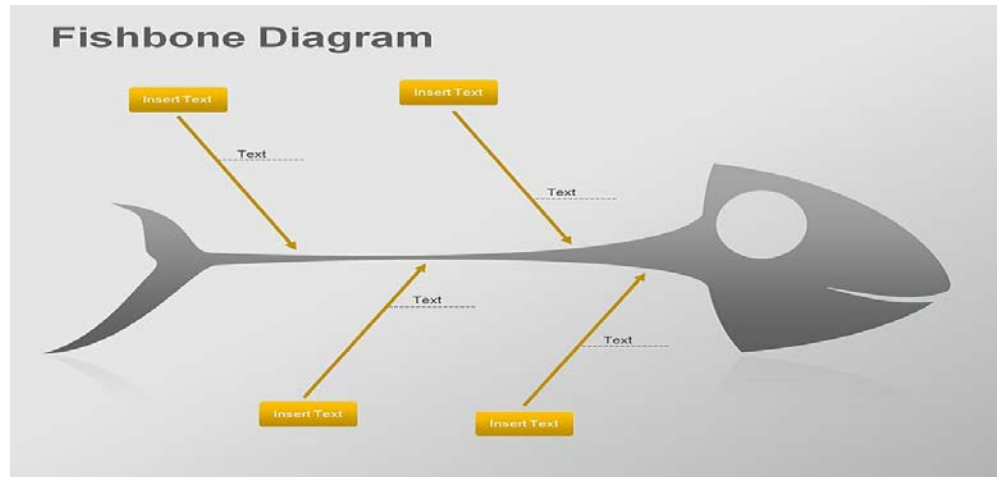
ابتدا مسئله را تعریف می‌کنیم و داخل سر ماهی در سمت راست می‌نویسیم.

یک خط صاف به چپ می‌کشیم (که ستون فقرات ماهی است) و علل مسئله را در هر یک از تیغه‌های ماهی که از خط صاف منشعب شده‌اند می‌نویسیم. در صورتی که لازم بود دقیق‌تر شده و عوامل جزئی‌تر هر تیغه را نیز اضافه کرده و این روند را تا هر سطح که لازم است ادامه می‌دهیم.

در نهایت به مجموعه‌ای از عوامل که علت‌های مسئله‌اند می‌رسیم.

حالا وقت تجزیه و تحلیل شاخه‌هاست. در این مرحله قصد ما انتخاب علت‌هایی است که مهم‌تر اند و باید به آن‌ها توجه بیشتری در حل مسئله کرد. اکنون با دسته‌بندی و کانالیزه شدن ابعاد مسئله می‌توانید به درک عمیق‌تری از آن برسید و به ابعاد پنهان آن توجه نمایید. این کانالیزه شدن اطلاعات شرایط را برای بروز خلاقیت فراهم می‌کند.

نمونه نمودار و مثال تکنیک استخوان ماهی



تکنیک اسکمپر SCAMPER چیست ؟

اسکمپر SCAMPER حروف ابتدای واژه‌هایی سؤال انگیز است که ما را در دستیابی به ایده‌های نو راهنمایی می‌کنند.

به‌وسیله اسکمپر می‌توان سؤالاتی را طرح کرد و از طریق آن‌ها به جوانب مسئله آگاه شد.

کاربرد اسکمپر:

کاربرد اصلی این تکنیک در ایده‌یابی فردی می‌باشد اما می‌توان برای گروه‌ها نیز به‌نحوی اثر بخش از آن استفاده کرد. هدف اصلی این تکنیک به حرکت در آوردن قدرت تصور در جهات مختلف و ضروری‌ست که از طریق پرسیدن سؤالاتی ایده بر انگیز حاصل می‌شود. در نهایت با افزایش ایده‌ها، کیفیت ایده‌ها نیز ارتقاء می‌یابد.

روش اجرای اسکمپر:

روش کار به این شکل است که هفت نوع سؤال با موضوعات طرح شده در اسکمپر (که پایین‌تر می‌خوانید) در مورد موضوع اصلی طرح می‌کنیم و به آن جواب می‌دهیم. سپس سؤال‌ها و جواب‌ها را می‌خوانیم؛ اگر در بین آن‌ها موردی

وجود داشت که می‌توانست به یک راه‌حل خوب تبدیل شود یا اینکه به کمک‌شان محصولی جدید را ابداع کرد و یا محصول فعلی را بهبود بخشید، می‌توان روی آن‌ها فکر کرده و بیشتر روی‌شان کار کنیم.

موضوعات و مثال برای روش اسکمپر:

واژه اسکمپر (SCAMPER) از ابتدای هفت موضوع داخل آن گرفته شده.

برای درک بهتر از این روش، برای هر موضوع اسکمپر یک سؤال هم به‌عنوان مثال برای روش اسکمپر آورده‌ایم:

جایگزینی (Substitute)

مثلا: به جای قانون‌های فعلی، چه قانون‌های دیگری می‌توان وضع کرد؟

ترکیب (Combine)

مثلا: اگر این محصول را با یک محصول دیگر ترکیب کنیم، چه چیز جدیدی ساخته می‌شود؟

تطبیق دادن (Adapt)

مثلا: چه موضوعات و ایده‌های دیگری هستند که می‌توانند الهام‌بخش ما باشند؟

اصلاح (Modify)

مثلا: اضافه کردن چه چیزی به این محصول، آن را بهتر می‌کند؟

کاربرد دیگر (Put to Another Use)

مثلا: آیا می‌توانیم از همین محصول در یک حوزه دیگر استفاده کنیم؟

می‌شود ضایعات این محصول را بازیافت کرد و چیز جدیدی از آن ساخت؟

حذف (Eliminate)

مثلا: کدام اجزا، قانون‌ها یا ویژگی‌ها قابل حذف هستند؟

وارونه کردن (Reverse)

مثلا: اگر این پروسه را کلاً برعکس کنیم چه می‌شود؟

اگر ترتیب وقایع را عوض کنیم چطور؟

اگر سعی کنیم دقیقاً برعکس کاری که می‌خواهیم بکنیم را انجام بدهیم چه اتفاقی می‌افتد؟

برای به خاطر سپاری واژگان SCAMPER می‌توانید از عبارت فارسی «حکومت آج» هم استفاده کنید (حذف -

کاربرد دیگر - وارونه‌سازی - مناسب کردن برای یک هدف دیگر - ترکیب - اصلاح - جایگزینی)

تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر

تکنیک شش کلاه تفکر هم در تجارت و هم خلاقیت کاربرد دارد.

در این تکنیک یک مسئله از نگاه شش سلیقه فکری بررسی می‌شود.

مثلا بعضی افراد دائماً در حال انتقادند یا برخی دیگر بسیار مثبت نگرند؛ در شش کلاه شما تک تک این افراد را بر سر می گذارید و با عینک آن‌ها به مسئله نگاه می کنید! این به شما کمک می کند تا مکعب یک مسئله را از شش وجه بررسی کنید.

در این روش هر کلاه یک رنگ دارد که نماد طرز فکر و منش فکری افراد است.

کاربرد تکنیک شش کلاه:

تکنیک شش کلاه به ما کمک می کند قالب‌های معمول فکری مان را بشکنیم و خود را جای دیگران بگذاریم و مثل دیگرانی که شبیه ما نیستند فکر کنیم. این قالب شکنی باعث بروز خلاقیت می شود. در نهایت شما می توانید به یک کل نگری از مسئله دست پیدا کنید.

شیوه استفاده از شش کلاه:

روش کار این است که هر بار به سبک یکی از این کلاه ها فکر کنید و نتایج را بنویسید.

وقتی نوبت به کلاه آبی رسید کل مسئله را از نو، با نگاهی کامل شده دوباره بررسی کنید.

شش کلاه تفکر در تیم ها:

این روش به شکل تیمی نیز کاربرد دارد؛ می توانید هر یک اعضای تیم خود را به نحوی انتخاب کنید که طرز فکرشان به سبک یکی از کلاه ها باشد. یا اینکه در جلسات به نوبت بخواهید افراد مثل یکی از کلاه ها فکر کنند.

کلاه های ۶ کلاه:

اما کلاه های شش کلاه چگونه فکر می کنند؟

ویژگی های فکری هر یک از این شش شخصیت را از لحاظ حسی بودن یا منطقی بودن و مثبت نگری یا منفی نگری بخوانید:

کلاه سفید:

کسی که کلاه سفید بر سر دارد با توجه به واقعیت‌ها مسئله را تحلیل می کند و احساسات را دخیل نمی کند.

مثل یک رایانه است.

تمرکز او بیشتر متوجه اطلاعات و ارقام است و قضاوت و پیش داوری خود را دخالت نمی دهد.

این فرد فقط واقعیت‌ها را بیان می کند اما به تحلیل آن‌ها ورود نمی کند.

کلاه قرمز:

فرد کلاه قرمز بیشتر متوجه جنبه های احساسی مسئله است. وقتی این کلاه را بر سر دارید ممکن است با اینکه یک راهکار منطقی ست بگویید احساس خوبی نسبت به آن ندارید! کلاه قرمز در مقابل سفید است.

کلاه سیاه:

سبک تفکر این کلاه به بروز نظرات منفی منطقی منجر می شود. باید توجه داشت بیان نظرات بی منطق منفی ارزشی ندارد. این کلاه دلایلی از سنخ تجربه و واقعیات برای شکست ایده مطرح می کند. در واقع این کلاه نقاط ضعف را بیان می کند. این کلاه می توان مانع بسیاری از اشتباهات در آینده گردد.

کلاه زرد:

کلاه زرد نقاط مثبت مسئله را بررسی می کند. این کلاه فرصت ها را می بیند و کمک می کند با آن ها چاره اندیشی کنیم.

کلاه سبز:

کلاه سبز یک فرد ساختار شکن است؛ دائما می خواهد راه حل های نو و جدید ارائه کند و تحولی ایجاد کند. او از تفکرات متفاوت استقبال می کند.

کلاه آبی:

فرد کلاه آبی در پایان شروع به واریسی دوباره نظرات کلاه های دیگر می کند. او به همه جوانب نگاه می کند و روشی منطقی در پیش دارد تا بتواند بهترین تصمیم را اتخاذ کند. کلاه آبی کل نگر و با دیدی همه جانبه مسئله را بررسی می کند و همین باعث بروز خلاقیت می شود.

تکنیک دلفی در کارآفرینی و خلاقیت به زبان ساده

این روش بسیار شبیه به تکنیک طوفان ذهنی است اما افراد هیچ گاه گروهی در یک جلسه جمع نمی شوند و در واقع رویارویی مستقیم رخ نمی دهد.

کاربرد تکنیک دلفی:

فلسفه تکنیک دلفی این است که افراد در طوفان فکری به علت خجالت نمی‌توانستند بعضی از ایده‌ها را مطرح کنند، اما در این روش افراد به صورت کلامی درگیر بحث نمی‌شوند.

روش تکنیک دلفی:

رئیس گروه موضوع را به همه اعلام می‌کند و هریک از افراد جداگانه ایده‌هایشان را کتبی (حتی بدون ذکر نام) برای رئیس گروه ارسال می‌کنند. او هم ایده‌ها را برای تک‌تک اعضا ارسال می‌کند و از آنان می‌خواهد نسبت به ایده‌های پیشنهادی فکر کنند و اگر ایده‌ی جدیدی به نظرشان آمد اضافه‌کنند. این عمل چند بار تکرار می‌شود تا درنهایت اتفاق آرا به‌دست آید.

چه موقع از فن دلفی استفاده می‌شود؟

- وقتی نظر اعضای یک تیم در مورد موضوع یا شخصی لازم است بی‌آنکه رویارویی آنان سبب خطا در قضاوت شود.
 - وقتی اعضای تیم در یک‌جا نباشند.
 - زمانی که لازم است اعضا نسبت به چیزی آگاهانه و مسئولانه نظر بدهند یا تصمیم بگیرند.
 - وقتی حضور چهره‌های بالادست و فشار هم‌تایان بر نظرات اثر می‌گذارد.
- سایر تکنیک‌های نوآوری

در نهایت تکنیک‌های ساده‌تری را نیز برای خلاقیت و نوآوری تقدیم می‌کنیم:

طوفان ذهنی:

طوفان ذهنی یکی از شیوه‌های برگزاری جلسات مشاوره و دستیابی به انبوهی از ایده‌ها برای حل خلاق مسائل می‌باشد.

درواقع یک جمع از طریق طوفان ذهنی می‌کوشند برای یک مسئله، با انباشتن تمام ایده‌هایی که به‌طور خود به‌خود و درجا به وسیله اعضا ارائه می‌شود، راه‌حلی بیابند.

تکنیک «چرا؟»

تکنیک «چرا» دقیقاً مثل چراهای مکرر یک کودک است؛

کودکان برای گسترش فهم خود از دنیای اطرافشان از والدین می‌پرسند. با این تفاوت که در بزرگسالی باید یا موخته‌های مان را زیر سؤال ببریم.

برای شناسایی و تعریف درست و کامل مسئله می‌توان از این تکنیک استفاده کرد.

استفاده از این تکنیک به ما کمک می کند تا موقعیت و وضعیت را بهتر و روشن تر مشخص کنیم و در فرآیند آن به ایده های جدیدی دست یابیم.

توهم خلاق:

خیلی اوقات آنچه را که فکر می کنیم واقعیت است، واقعیت نیست. واقعیت ها با پنج حس انسان درک می شوند. چیزهایی که چشم می بیند و طوری که مغز آن را تفسیر می کند باعث این خطا می شود. منظور و هدف این تکنیک این است که شما بتوانید با خیال پردازی، عمدا فرض های به ظاهر غلطی را در نظر بگیرید! و از جنبه جدیدی به مسائل نگاه کنید. ترکیب این فرض جدید با اطلاعات الگوهای ذهنی جدیدی را می سازد که به آن ها ایده های خلاقانه می گوئیم!

تکنیک پی. ام. آی. (P.M.I):

Plus – Minus – Interesting

این تکنیک خلاقیت و نوآوری انسان را مجبور می کند تا دقایقی بر خلاف قالب های ذهنی اش فکر کند و به مرور نسبت به قالب های ذهنی خود آگاه تر و مسلط تر شود. لذا آمادگی ذهنی بیشتری برای خلاقیت پیدا می کند.

روش انجام تکنیک پی ام آی:

ابتدا فرد توجهش را به نکات مثبت موضوع یا پیشنهاد و سپس به نکات منفی و نهایتا به نکات جالب و تازه که نه مثبت و نه منفی ست، معطوف می کند. در پایان نسبت به تهیه لیست نکات مثبت یا مزایا، لیست موانع و محدودیت ها و نکات منفی و لیست نکات جالب و تازهی موضوع اقدام می کند. کاربرد این روش برای خلاقیت در مسائلی ست که مشخص اند و در آن ها شک و تردید نداریم.

تکنیک در هم شکستن مفروضات:

از موانع مهم خلاقیت، مفروضات قبلی است که ناخودآگاه اجازه نمی دهد فکر در همه جهات حرکت کند. مفروضات قبلی ممکن است همان زمانی که در ذهن ما ایجاد شده اند، غلط بوده باشند، مثل خطرناک بودن دوچرخه در ذهن کسی که خواب تصادف شدید با دوچرخه را دیده؛ یا به مرور اعتبارشان را از دست داده و یا به خاطر تغییر شرایط بی اعتبار شده باشند اما فرد متوجه این تغییرات و اشتباهات نیست و هنوز با مفروضات قبلی به مسئله نگاه می کند. از آن جا که مفروضات مربوط به قسمت درونی ذهن می شوند و امری درونی هستند، نمی توانیم آن ها را به تنهایی فسخ یا از فکر خود جدا کنیم. مثل آن چاقو که نمی تواند دسته اش را ببرد. اما شناسایی این مفروضات، اولین قدم برای تغییر آن هاست.

روش:

مفروضات خود و دیگران را بشناسید!

روش گروه اسمی (NGT)

در تکنیک گروه اسمی، افراد مجاز نیستند که لفظی و شفاهی با یکدیگر تماس برقرار نمایند و گروه فقط ظاهراً وجود دارد.

باید مساله به روشنی در ابتدای جلسه بیان و فهمیده شود.

رهبر یا سرپرست گروه، مسئله را برای شرکت کنندگان مطرح می کند و آن را روی وایت برد می نویسد.

اعضای گروه، معمولاً ۵ تا ۱۰ دقیقه فرصت خواهند داشت تا راه حل های پیشنهادی خود را روی برگه بنویسند.

سپس به شکل نوبتی، هر عضو یک نظر از فهرست خود را ارائه می دهد. دبیر، هم زمان نظرها را روی تخته برای دیدن

اعضا یادداشت می کند. فرآیند دور چرخیدن آنقدر ادامه می یابد تا همه افراد کلیه نظرها را داده باشند.

دبیر باید از ثبت نظرات تکراری خودداری کند.

چنانچه بتوان چند نظر را با هم جمع کرد، دبیر باید مطمئن شود که نظرها به هم مربوط هستند.

در طول این مرحله اعضا تشویق می شوند با شنیدن نظر یک نفر، برگردند و به نظریات خود بیاندیشند.

همچنین همه اعضا ترغیب می شوند که نظرات جدیدی را به فهرست اضافه کنند و در دور بعد ارائه دهند.

در این زمان اعضای تیم هنوز درباره نظرها خود بحث نمی کنند بلکه این کار به گام بعد موکول می شود.

در گام بعد: سرپرست گروه با اشاره به هر یک از ایده های مورد بحث، از اعضا می پرسد آیا همه آن را کاملاً فهمیده اند.

اگر سؤالی نباشد سرپرست به ایده بعدی می پردازد.

باید گفتگوها مختصر باشد و نباید کسی ایده های خود را به سایر اعضا بقبولاند.

این تکنیک در مورد مسائلی که دارای تعریف نسبتاً محدودی هستند، بیشترین کارایی را دارد.

هنگامی که مساله پیچیده تر شود، یا رسیدن به یک راه حل دشوارتر باشد، تکنیک های تعاملی ممکن است سودمندتر

واقع شوند.

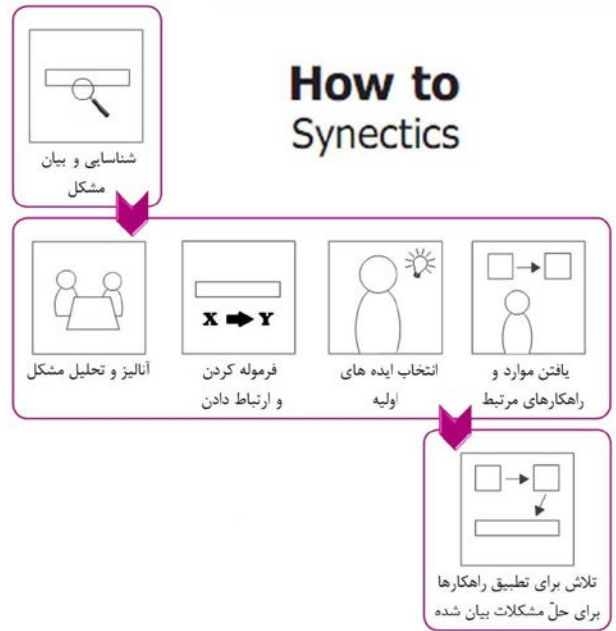
تکنیک سینکتیکس:

تکنیک سینکتیکس در سال ۱۹۷۶ توسط گوردون و پرینس معرفی گردید. واژه سینکتیکس از ریشه یونانی

الاصل **synetikos** به معنی فشار دادن دو چیز به یکدیگر و یا متصل کردن چند چیز مختلف گرفته شده است این

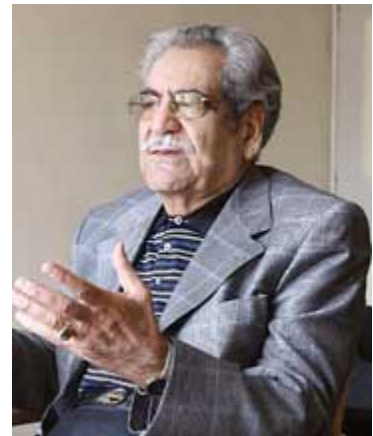
واژه به این دلیل انتخاب شده است که خلاقیت نیز نوعی هماهنگ کردن چیزهای مختلف در یک قالب یا ساختار

شکل زیر بیانگر مراحل فوق بصورت شماتیک به منظور استفاده از روش سینکتیکس می باشد.



زندگی نامه کارآفرینان برتر

نام: شاهرخ ظهیری



موقعیت: پیشکسوت صنعت غذایی کشور و مبدع سس مایونز در کشور

تولد: ملایر

من شاهرخ ظهیری هستم. من در خانواده‌ای متوسط در ملایر زندگی می‌کردم و شغل پدرم کشاورزی بود. در اصلاحات ارضی شاه معدوم بیشتر دارایی پدرم از دست رفت و او مجبور به استخدام در دارایی قم شد به عنوان رئیس. پدرم خیلی زود فوت کرد و من به عنوان پسر ارشد مسوول اداره خانواده شدم، لذا تحصیلاتم در این مقطع تا دیپلم (پنجم دبیرستان آن زمان) ناتمام ماند و ناچار به استخدام فرهنگ درآمدم و معلم شدم. بعدها همزمان با معلمی وارد دانشگاه هم شدم و لیسانس حقوق قضایی گرفتم و از معلمی به دبیری ارتقا رتبه دادم؛ اما این کار از نظر درآمدی و ذهنی و روحی مرا راضی نمی‌کرد. من فکرهای بزرگی در سر داشتم و استعداد خدادادی را در خودم کشف کرده بودم. بنابراین فکر کردم در کنار تدریس، کار دیگری را نیز شروع کنم، لذا تحصیلدار یک کارخانه پارچه‌بافی شدم. صبح‌ها در آنجا کار می‌کردم و عصرها در دبیرستان درس می‌دادم. کم‌کم به لحاظ صداقتی که داشتم و در کار بازاریابی و فروش خبره بودم، مورد توجه صاحبان کارخانه قرار گرفتم و پس از این که کار کارخانه افزایش یافت و به رشته‌های دیگر چون واردات ماشین‌آلات کشید، به عنوان مدیر فروش از کف بازار به بالای شهر آمدم و آنجا هم به خاطر فروش بالایی که داشتم و صمیمانه کار می‌کردم و در بین سایر شرکت‌ها شناخته شدم. این نقطه ورود من به کار تجارت است. در آن زمان مهدی بوشهری شوهر اشرف، خواهر شاه معدوم به همراه اسدالله علم وزیر دربار و چند نفر دیگر گروهی تحت عنوان ماه داشتند که صاحب شرکت‌های متعدد در رشته‌های گوناگون بود. مانند ماه یار، مه‌کشت، ماه سال و غیره.

من مدیر شرکت مه‌کشت شدم که کار تجارت و واردات تراکتور و کمباین را داشت. کمی بعد به خاطر باند بازی‌های قدرت قرار شد بوشهری از شرکت خارج شده و اصولاً شرکت به هم بخورد. کمی قبل از این ماجرا از من خواسته بودند کنار کارهای ساختمانی، نیروگاهی، برق و غیره در صنایع غذایی نیز وارد شویم و یک شرکت صنایع غذایی تاسیس کنیم. ما در فکر تاسیس بودیم و نام آن را نیز انتخاب کرده بودم که کارگروه ماه به هم خورد و بیرون آمدیم. سپس تصمیم گرفتیم ایده تاسیس این شرکت را خودم دنبال کنم و همراه یک شریک دیگر در سال ۱۳۴۹ مه‌رام را با یک میلیون تومان سرمایه تاسیس کردم. واقعا به آن روزها که نگاه می‌کنم می‌بینم این موفقیت مرهون چه درس‌ها از بزرگان بازار و تجارت و چه سختی‌های طاقت‌فرسا و بویژه صحت فکر و عمل، صداقت و راستی، پشتکار و خلاقیت است.

بزرگ‌ترین خلاقیت من با مه‌رام تولید سس مایونز است. شاید باور نکنید اما آن زمان کسی نمی‌دانست مایونز چیست، چگونه خورده می‌شود و مصرفش برای چیست.

برای شروع کار مه‌رام مثلا ما سراغ تولید رب گوجه‌فرنگی که همگان می‌شناختند نرفتیم. ما خلاقیت ایجاد کردیم تا یک فرهنگ غذایی جدید در کشور درست شود تا جایی که هنگام جنگ تحمیلی سس مایونز بازار سیاه پیدا کرد!

اوایل کار کسی اصلا سس مایونز را تحویل نمی‌گرفت و ما برای جا انداختن آن روش‌های جدید بازاریابی ابداع کردیم که یکی از آنها خرید کاذب بود. من ۴۰ - ۳۰ نفر از مرد و زن و بچه و پیرمرد را استخدام کرده بودم که بروند در مغازه‌ها و سس مایونز بخواهند و بخرند. خودم این سس‌ها را می‌خریدم و کارت‌ن می‌کردم و دوباره به مغازه‌ها می‌دادم. در نتیجه ۵۰ درصد تولید را خودم می‌خریدم و ۵۰ درصد دیگر را مغازه‌دارها می‌فروختند بعد دیدم این کار کافی نیست. مغازه‌دار باید علاقه‌مند به فروش کالای من شود. آن زمان که کامپیوتر نبود. به ویزیتورها می‌گفتم تاریخ تولد مغازه‌دارها را که اکثراً آذری‌زبان بودند بگیرند. براساس تاریخ تولد افراد کارت‌تبریک چاپ کردیم و با یک سبد گل برایشان می‌فرستادیم. بعد آنها تلفن می‌کردند می‌گفتند بابا ما خودمان هم یادمان نبود تولدمان کی است، دست شما درد نکند. به این ترتیب کم‌کم فروشمان زیاد شد. چون مغازه‌دار می‌گفت وقتی چنین شخص با معرفتی برای من گل فرستاده و تولدم را تبریک گفته، باید جنس او را بفروشم؛ لذا به هر صورتی بود، سس مایونز را برای من تبلیغ و به مشتری‌اش توصیه می‌کرد. واقعا روزهای سخت، پرکار، پرهیجان و پرباری بود. تجربه‌ها آموختم. ما از ورشکستگی و بی‌چیزی شروع کردیم و از صفر بالا آمدیم؛ اما بدون حساب و کتاب نبود.

من درس‌ها گرفتم و این درس‌ها را به کار بستم. من صداقت و درستی را از کف بازار یاد گرفتم. یاد نمی‌رود. برای کارخانه پارچه درخشان یزد پنبه می‌خریدم. من به عنوان تحصیلدار کارخانه می‌رفتم تا پول پنبه را بدهم. پدر آقای لاجوردی (همان لاجوردی که گروه صنعتی بهشهر را تاسیس کردند) و برای اولین بار در کشور از پنبه روغن گرفتند، نزد ایشان بودم تا چک پنبه‌ها را بدهم. داشتم چای می‌خوردم که یکی از دلال‌هایی که برای ایشان کار می‌کرد، آمد و گفت حاج آقا من پنبه‌های دیروز را یک تومان گران‌تر فروختم و چک هم گرفتم. ایشان گفت کدام پنبه؟ دلال گفت همان پنبه‌ای که شما دیروز به حاج محسن آقا فروختید. ایشان گفت: آن را که فروختم. دلال گفت می‌دانم. اما چک آن را گرفتید؟ پول گرفتید؟ امضایی چیزی کردید؟ ایشان گفت: خیر. دلال پاسخ داد حاج آقا شما که فقط حرف زدید. اما من برایتان چک هم گرفتم. آقای لاجوردی گفت وقتی حرف می‌زنی، حرف یعنی چک، یعنی امضاء. یک تومان که ارزش ندارد. شما بگو صد میلیون تومان. نه! من قبلاً آن را فروخته‌ام، برو پشش بده. حالا تصور کنید من یک جوان ۲۴ - ۲۳ ساله از ایشان چه یاد می‌گیرم. این‌گونه بود که من شروع به ترقی کردم.

طوری که در سال ۷۵ که سهامی عام شدیم، حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان سود انباشته داشتیم و کامیون از خط تولید به محل فروش می‌رفت و در عین حال یک واحد ما به ۷ کارخانه در کشور تبدیل شد و شدیم نخستین صنعت غذای ایران. تمام این موفقیت‌ها با دست و سرمایه خودم به دست آمد و صد البته دشواری‌ها. الان که به این موقعیت رسیده‌ام، صادقانه بگویم: «رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند». پول هیچ سعادت نمی‌آورد دوست من. چند خواهی تن را برای پیرهن / تن‌رها کن تا نخواهی پیرهن. من یک میلیارد باصالت هستم. آنچه را که دارم، آبروست و حرمتی است که دارم، چون کلاه سر کسی نگذاشتم، مال کسی را نخوردم، تقلب نکردم و دروغی نگفتم. من ماهیت وجودی خودم را حفظ کردم، اما شک ندارم که هدفم از ابتدا پولدار شدن بود و این که از معلمی برای مادر،

خواهر، برادر و خودم زندگی بسیار خوبی درست کنم که کردم . اما وقتی به قله پول رسیدم، دیدم اینجا خبر آنچنانی نیست و آنچه بر جای می ماند خوبی، پاکی و صداقت است که ثمره عمر من محسوب می شود، نه پول، نه پول و نه پول

... .